

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۶/۸
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۱۱/۳۰

ساسان صالحی میلانی^۱
مریم محمدی^۲

اهداف و شاخص‌های تحقق پایداری فرهنگی

چکیده

مفهوم پایداری، تأمین نیازهای امروز را بدون به مخاطره انداختن نیاز آیندگان، مورد توجه قرار می‌دهد. توسعه پایدار مشتمل بر چهار بعد زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در این میان بعد فرهنگی در پایداری توسعه، بعدی متأخر و در عین حال مهم است. این مقاله بر آن است تا بعد فرهنگی پایداری را به عنوان رکنی مهم از رویکرد پایداری معرفی کند و ضمن بررسی اهمیت و ضرورت‌های توجه به این بُعد، به تبیین شاخص‌های برنامه‌ریزی بر مبنای رویکرد پایداری فرهنگی بپردازد. در عین حال برای تشریح بهتر موضوع، برنامه‌ریزی فرهنگی در دو نمونه کانادا و امریکا مورد بررسی دقیق و تفصیلی قرار می‌گیرد و در ادامه در بررسی‌ای تطبیقی، برنامه‌ریزی فرهنگی در شهر تهران بررسی می‌شود. نتایج بررسی‌ها نشان از آن دارند که محورها و اهداف مورد توجه در برنامه‌ریزی فرهنگی در نمونه‌های کانادا و امریکا با تأکید بر تحقق اهداف پایداری فرهنگی است. از آنجا که اهتمام به فرهنگ از مکان‌محورترین ابعاد برنامه‌ریزی است، اهمیت توجه به آن در برنامه‌ریزی فرهنگی شهر تهران نیز با هدف رسیدن به پایداری فرهنگی احساس می‌شود. در این زمینه ضروری است که شهرداری تهران، به عنوان نهادی اجرایی، رویکرد و شاخص‌های مورد توجه در تحقق پایداری فرهنگی را با نگرشی جهانی و در چارچوبی محلی مورد توجه قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: توسعه پایدار شهری، پایداری فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران.

E-mail: S.Milani@art.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری طراحی شهری دانشگاه بیرمنگام، انگلستان (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: Ma_Mohammadi@arch.iust.ac.ir

مقدمه

امروزه، بُعد فرهنگ در برنامه‌ریزی با رویکرد توسعه پایداری مورد توجه قرار گرفته است. هر چند مباحث اولیه پایداری در زمینه زیست‌محیطی مطرح شده، اما خصوصیات مفهوم پایداری و ویژگی‌های چندبعدی آن، محدود شدن آن را به زمینه زیست‌محیطی امکان‌پذیر نمی‌ساخته است. از ابتدای مطرح شدن تعریف اولیه پایداری به وسیله براتلند و به‌طور دقیق‌تر از زمان دستور کار ۲۱ در کنفرانس ملل متحد (UNO, 1992) در زمینه محیط و توسعه، مفهوم مذکور از قلمرو محیط زیست به عرصه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی نیز تعمیم یافته است.

از آنجا که هدف این تحقیق، تبیین اهمیت فرهنگ و پایداری فرهنگی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است، به تدوین ارتباط و اهمیت برنامه‌ریزی بر مبنای فرهنگ توجه می‌شود و بدین ترتیب اهمیت چشم‌انداز و چارچوب فرهنگی در برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما این بررسی تنها به همین محدود نمی‌شود و برنامه‌های فرهنگی در دو نمونه موفق خارجی نیز مورد بررسی تفصیلی قرار می‌گیرد. به این دلیل که نهاد مسئول در برنامه‌ریزی فرهنگی در نمونه‌های بررسی شده شهرداری‌ها هستند، در بررسی تطبیقی نمونه شهرداری تهران نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، تا از این رهگذر نقاط قوت و ضعف، تفاوت‌ها و شباهت‌ها در این خصوص آشکار گردد.

روش‌شناسی (متدولوژی) پژوهش

پژوهش حاضر، مطالعه‌ای تحلیلی و تطبیقی است. در مرحله بررسی نوشتارهای مربوط به موضوع، روش کار مروری و اسنادی است. در این بخش، مروری بر منابع داخلی و خارجی معتبر در رویکرد توسعه پایداری و پایداری فرهنگی انجام شده است، با این هدف که ضمن تبیین جایگاه فرهنگ در رویکرد پایداری، اهداف و ابعاد آن شناسایی شود. گام بعد، بررسی نحوه بهره‌مندی از این رویکرد در برنامه‌ریزی فرهنگی است. بدین منظور دو نمونه موفق از برنامه‌ریزی فرهنگی که مبتنی بر رویکرد توسعه پایدار فرهنگی هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این مرحله، با توجه به روش تحلیلی، ضمن بررسی تفصیلی نمونه‌ها، در چارچوبی مشخص، محورها و اهداف و راهبردهای تحقق برنامه‌ریزی فرهنگی از یک سو، و وجود طرح‌ها و سیاست‌های پیشنهادی تنوع تجلیات فرهنگی در این شهرها از سوی دیگر، و نیز تأکید بر تحقق اهداف پایداری فرهنگی از مهم‌ترین دلایل انتخاب نمونه‌هاست. در عین حال مهاجرپذیر بودن شهرهای مورد بررسی در دو نمونه مذکور نکته درخور توجه دیگری است که بررسی تطبیقی این نمونه‌ها را با شهر تهران ممکن می‌سازد.

بدین ترتیب، در مرحله نهایی که بررسی نحوه عملکرد شهرداری تهران در برخورد با مقوله امور فرهنگی در ساختار و شرح وظایف سازمان‌ها مدنظر است، بررسی به شکل تطبیقی خواهد بود. انتخاب تهران و بررسی نحوه عملکرد و ارزیابی شهرداری این شهر از این رو اهمیت دارد که تهران به عنوان پایتخت ایران دارای شرایط ویژه‌ای است و با عنایت به نقشی که در چشم‌انداز بیست‌ساله و طرح راهبردی-ساختاری توسعه و عمران شهر تهران (۱۳۸۶) درج گردیده، تحقق چشم‌انداز فرهنگی شهر تهران موضوعی بسیار محوری است. هدف از این بررسی مقایسه‌ای، توجه به اهمیت امور فرهنگی در نمونه‌ها، نحوه دستیابی و طریقه عمل به اهداف پایداری فرهنگی و شاخص‌های مورد توجه در این زمینه است.

بررسی نوشتارهای موضوع

مفهوم توسعه پایدار

در تعریفی از توسعه پایدار^۲ چنین ذکر شده است که این توسعه، به مفهوم ارتقای کیفیت زندگی همراه با پشتیبانی از زیست‌بوم است (World Conservation Union, 1991). ابعاد توسعه پایدار شهری مشتمل بر ابعاد محیطی و اقتصادی و اجتماعی است. در پایداری محیطی، به حفاظت از سرمایه‌های طبیعی توجه می‌شود و این خود از طریق پایداری محیطی و ارضی تحقق می‌یابد. اولی با اکوسیستم‌های طبیعی مرتبط است و دومی با ارزیابی توزیع فضایی فعالیت‌های انسانی و شکل شهر-روستا. در پایداری اقتصادی، به کارآمدی سیستم‌های اقتصادی (مؤسسات، سیاست‌ها و قوانین عملکردی)، بیشتر و گسترده‌تر توجه می‌شود و بدین ترتیب پیشرفت کمی و کیفی و برابری اجتماعی تضمین می‌گردد. پایداری اجتماعی خود مشتمل بر ابعاد و نتایج پایداری اجتماعی و همچنین پایداری فرهنگی است (Assefa & Frostell, 2007, 64).

مفهوم پایداری از ابتدا در مقیاس‌های جهانی و ملی تعریف شد و پس از آن در حیطه شهر و جوامع محلی مورد تأکید قرار گرفت (Mitlan and Satterthwaite, 1994). این تغییر رویکرد در مقیاس، مورد حمایت بخش‌های مسئول در توسعه محلی قرار گرفت. به موازات این امر، به مفهوم فرهنگ به عنوان بخش مهمی از فرایند پایداری توجه شد. گفتمان مربوط به فرهنگ هر چند در قالبی بسیار محدود ارائه گردید، اما تأثیری نافذ بر نوشتارها و پژوهش‌های مربوط به پایداری داشت. در حیطه توسعه جوامع محلی، در ابتدا ملاحظات فرهنگی غالباً در محدوده گفتمان پایداری اجتماعی^۳ و یا سرمایه‌های اجتماعی^۴ مطرح شدند (Duxbury & Gillete, 2007).

پایداری فرهنگی

توسعه پایدار، روش زندگی و فرایند تصمیم‌سازی مبتنی بر مصصرف‌گرایی را که صرفاً بر مبنای بازدهی اقتصادی است، مورد تردید و تشکیک قرار می‌دهد و زیرساخت‌های اخلاقی آن را فراتر از الزامات محیطی و اقتصادی برمی‌شمارد. در واقع توسعه پایدار، فرایندی جامع و مبتکرانه است که باید به صورت مداوم نگرش و پوششی رو به جلو داشته باشد (Newman and Kenworthy, 1999). این نکته که توسعه پایدار بر ارزش‌ها و عقاید متغیر جامعه محلی یا جهانی مبتنی است، آن را پیچیده‌تر می‌سازد (Williams, 2003). با وجود اینکه فرهنگ در مدل‌های پایداری محیطی و اجتماعی و اقتصادی به عنوان بعدی پراهمیت برشمرده می‌شود، لیکن کماکان زمینه و ارتباط فرهنگ، ادراک و شناسایی نشده است. برای مثال، هیلگارد کورت^۵ در مبحث زیبایی‌شناسی پایداری^۶، به فقدان ملاحظات فرهنگی در توسعه پایدار اشاره می‌کند و بی‌توجهی به ابعاد فرهنگی و زیبایی‌شناختی پایداری را در سرفصل‌های علوم طبیعی و اجتماعی خاطر نشان می‌سازد.

در اینجا بیش از بررسی دلایل و زمینه‌های ظهور این مفهوم، به بررسی ویژگی‌ها و ملاحظات این بعد در مقام مقایسه با سایر ابعاد رویکرد توسعه پایدار شهری پرداخته می‌شود. نتیجه بررسی منابع مختلف در این زمینه در شکل ۱ ارائه شده است. با توجه به تعاریف اجمالی که از ابعاد مختلف رویکرد توسعه پایدار ارائه شد، تمرکز و اهداف ویژه هر بعد از توسعه پایدار بیان می‌شود: در بعد محیطی، تمرکز بر منابع محیطی و مسئولیت حفظ و نگهداری از آنهاست که به پایداری محیطی منجر می‌شود؛ در بعد اقتصادی، تمرکز بر دسترسی به اطلاعات و امکانات به منظور تحقق عدالت و امکان رقابت‌پذیری است؛ به منظور تحقق پایداری اجتماعی، بر عدالت اجتماعی و تساوی حقوق تمرکز می‌شود؛ و بالاخره

تمرکز رویکرد پایداری فرهنگی، بر هویت فرهنگی است و هدف آن دستیابی به تنوع و تمایز، یا - به بیان دیگر- تحقق تنوع فرهنگی^۷ است.

به منظور تعریف تنوع فرهنگی، در ابتدا لازم است تعریفی از فرهنگ ارائه شود. ادوارد بارنت تایلور (۱۸۷۱) بیان می‌کند: «... فرهنگ، کلیت در هم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون هموندی از جامعه به دست می‌آورد» (آشوری، ۱۳۸۱). بدین ترتیب منظور از تنوع فرهنگی، «شیوه‌های مختلف تجلی فرهنگ نزد گروه‌ها و جوامع است که در میان آنها دست به دست می‌شوند و از طریق روش‌های متنوع خلق، تولید، توزیع، و ارزش‌نهادن، متجلی می‌گردند» (UNESCO, 2001; UNESCO, 2005). این تعریف، ماهیت گسترده و کثرت‌گرا و متنوع فرهنگ را پوشش می‌دهد و بر چندگانگی فرهنگی صحه می‌گذارد و در عین حال به ابزارهای چندبُعدی و فرایندهای گوناگونی هم که انتقال فرهنگ از طریق آنها صورت می‌گیرد، توجه دارد.

به‌رغم اهمیت این بعد از پایداری، تا دههٔ اخیر، فرهنگ به‌نحوی سنتی به عنوان بخشی از ابعاد اجتماعی پایداری یا جزئی از سرمایه اجتماعی محسوب می‌شد و به‌طور مشخص مورد بررسی قرار نمی‌گرفت. برای نمونه، همان‌طور که ماتیو پایک^۸ (Pike, 2003) بیان می‌کند، در حالی که به تفصیل دربارهٔ سرمایه‌های اجتماعی نوشته شده است، اما توجه به سرمایه‌های فرهنگی همچون هنر موسیقی و جز آن، و نیز ارزش‌های مشترک آنها که اهمیت بسیاری در نزدیک ساختن مردمان دارند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بخشی از این غفلت‌ها ناشی فقدان ملاحظات فرهنگی‌اند.



شکل ۱- بررسی مقایسه‌ای ابعاد رویکرد توسعه پایدار

منبع: نگارندگان

تنها در دههٔ اخیر، در سایه کنفرانس «زمین» سازمان ملل متحد در ژوهانسبورگ با محوریت توسعه پایدار و در پی تشویق دولت‌های محلی به ارائه راهبردهای‌شان در مفهوم توسعه پایدار، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز مورد توجه قرار گرفت (UNO, 2002). در عین حال، نوشتارها و پژوهش‌های در حال گسترش پایداری در زمینه‌های مختلفی نمود یافته است، همچون:

- فرهنگ پایداری؛

- جهانی‌سازی؛
- حفاظت از میراث^{۱۱} (Matthews and Herbert, 2004)؛
- حس مکان^{۱۲} (Mills and Brown, 2007; Western Australian Government, 2002)؛
- دانش بومی و سیاست‌های سنتی^{۱۳} (Mathew and Herbert, 2007)؛
- توسعه فرهنگی جامعه؛
- هنرها، آموزش و جوانان؛
- طراحی پایدار (Blankenship, 2005; Matthew and Herbert, 2004)؛
- برنامه‌ریزی^{۱۴} (Beatley and Manning, 1997)؛ و
- سیاست‌های فرهنگی و دولت محلی^{۱۵} (Darlow, 1996).

مفاهیم مرتبط با پایداری فرهنگی

به‌منظور ارائه تعریفی مناسب از مفهوم پایداری فرهنگی، در ابتدا لازم است سیر تحول تاریخی از مفاهیم مرتبط با پایداری اجتماعی تا مفهوم پایداری فرهنگی ارائه شود. همان‌طور که پیش از این بیان شد، توجه به ابعاد فرهنگ تا دههٔ اخیر در دل ابعاد توسعه پایدار اجتماعی از زمان ظهور آن در دههٔ ۱۹۸۰، مورد توجه بوده است. بدین ترتیب در اینجا تعاریفی از مفاهیم مرتبط با مقوله پایداری فرهنگی ارائه می‌شود. این مفاهیم عبارت‌اند از سرمایه اجتماعی، پایداری اجتماعی و توسعه اجتماعی و فرهنگی.

الف) پایداری اجتماعی، سرمایه اجتماعی^{۱۶}

پایداری اجتماعی، به مفهوم توانمند کردن همه گروه‌ها، برای بهره‌مندی از نیازمندی‌های ضروری، شامل دستیابی به سطح معقول و مناسبی از آسایش، در واقع تسهیم عادلانه فرصت‌ها را در زمینه سلامتی و تحصیلات مورد توجه قرار می‌دهد (Assefa & Frostell, 2007, 64-65). مارک رزلند (Roseland, 2005) این گونه بیان می‌کند که جامعه‌ای پایدار به لحاظ اجتماعی می‌بایست توانایی ماندگاری و تولید بر پایه منابع خود و پایداری در مقابل مشکلات آتی را داشته باشد. بررسی سیر تحول نظریه‌ای بعد اجتماعی پایداری نشان می‌دهد که در ابتدای مطرح شدن این موضوع، تا اواخر دههٔ ۱۹۸۰، پایداری اجتماعی با مفهوم سرمایه اجتماعی یکسان در نظر گرفته می‌شد (Colantonio, 2009, 8). برای مثال بسیاری از اندیشمندان بر آن‌اند که مفهوم سرمایه اجتماعی تشابه زیادی با پایداری اجتماعی دارد، چنان‌که در قالب شبکه‌ها و فرم‌های تشویق‌کننده اقامت جمعی و یا اطلاعات، ادراکات و الگوهای برهم‌کنش یا تعامل مشترکی است که گروهی از مردم در فعالیتی مولد از خود نشان می‌دهند (Roseland, 2005; Coleman, 1988; Putnam, Leonardi and Navetti, 1993).

ب) توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی، تقویت ارتباطات اقتصادی و اجتماعی را از طریق اقدامات محلی دنبال می‌کند. توسعه اجتماعی معمولاً از طریق سه شاخص دنبال می‌شود که ترکیبی از سلامت محیطی و اقتصادی و اجتماعی است. به تازگی دو زمینه فرهنگ و مدیریت نیز به سه مورد پیشین اضافه شده‌اند. اهداف اولیه توسعه اجتماعی متضمن بیان ارزش‌ها، اتکا به نفس، تأمین نیازهای اولیه بشری و مشارکت بیشتر ساکنان در جامعه‌شان است. این اهداف از طریق آموزش، مشارکت شهروندان^{۱۷}، اجماع‌سازی^{۱۸} و دسترسی به اطلاعات محقق می‌شوند. در جوامع محلی ایجاد حس مکان با توجه به نقشی که در تشویق

شهروندان به تصمیم‌سازی در مورد محیط و منابع و آینده‌شان دارد، محوریت می‌یابد (Duxbure & Gillete, 2007).

ج) توسعه فرهنگی جامعه^{۱۹}

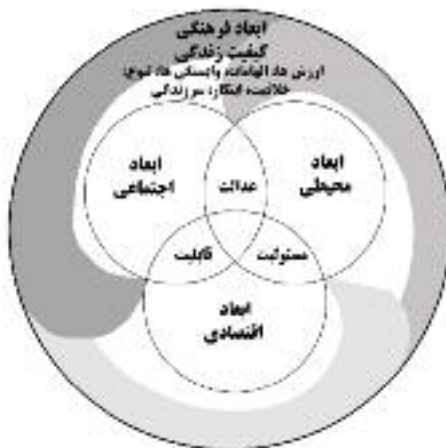
توسعه فرهنگی جامعه محلی به‌عنوان فرایندی جمعی شناخته می‌شود و اغلب شامل خلاقیت‌هایی است که در مقیاسی وسیع تبیین می‌گردند. این امر شامل تغییرات در زندگی مردم و مزیای توسعه‌ای و بلندمدت برای جامعه است (Mills and Brown, 2004). توسعه فرهنگی جامعه در واقع بخشی از چارچوب در حال گسترش پایداری محسوب می‌شود که به جوامع، فرصت بازگو کردن داستان‌های‌شان و همچنین تکوین مهارت‌های خلاقانه و مشارکت فعالانه در توسعه فرهنگ را می‌دهد (O'Hala, 2002). با استفاده از هنر و فرهنگ به‌عنوان ابزار، توسعه فرهنگی جامعه قادر خواهد بود که امکان معرفی مدل‌های مناسب پایداری را درون جامعه فراهم سازد. چنین نیست که همچون دیگر مدل‌های توسعه پایدار، مدلی واحد هم برای توسعه فرهنگی وجود داشته باشد؛ اما در کلیه مدل‌های موجود تبدیل ارتباط هنرمندان با جامعه به «شراکت^{۲۰}» در مقابل «رابطه سنتی فن‌سالار و عامی^{۲۱}» اهمیت خواهد داشت (Mills and Brown, 2004).

ضرورت توجه به بُعد فرهنگ در برنامه‌ریزی

به‌کارگیری مفهوم پایداری در زمینه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای اقدامی نسبتاً نو محسوب می‌شود. تنها در دو دهه گذشته کوشش‌های جامعی در جهت ترجمان تعریف گسترده برونتلند^{۲۲} از پایداری در قالب برنامه‌ریزی و توسعه محلی و منطقه‌ای صورت گرفته است (Beatley and Manning, 1997). در زمینه پایداری فرهنگی جامعه، برنامه‌ریزی و طراحی شهری باید با دیدگاه‌های فرهنگی انجام گیرد. چنین رویکردی باید با راهبردهای برنامه‌ریزی اجتماعی فرهنگ‌محور و با تأکید بر جامعه مدنی، جوانان، چندفرهنگی، فقر و دیگر موضوعات جوامع امروز همراه باشد. در اینجا مدل ارکان چهارگانه پایداری، که هاوک ارائه کرده است و اهمیت توجه به موضوع فرهنگ را در برنامه‌ریزی نشان می‌دهد، آورده

می‌شود. در سال ۲۰۰۱، جان هاوک، از تحلیل‌گران و مفسران سیاست‌های فرهنگی در استرالیا، کتاب «رکن چهارم پایداری: نقش ضروری فرهنگ در برنامه‌ریزی عمومی» را تألیف کرد. پس از انتشار این کتاب، گرایش روزافزونی به چگونگی به‌کارگیری محتوای آن بر مدل‌های برنامه‌ریزی شهری و اجتماعی شکل گرفته است.

ارکان چهارگانه پایداری^{۲۳} بیان‌کننده چهار بُعد متداخل است: مسئولیت‌پذیری محیطی^{۲۴}، سلامتی اقتصادی^{۲۵}، عدالت اجتماعی^{۲۶}، و سرزندگی فرهنگی^{۲۷}. هاوک نیاز به نگرش فرهنگی را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های عمومی با استفاده از ابزارهای عملی خاطرنشان می‌سازد. به‌منظور تأثیر بیشتر برنامه‌ریزی عمومی (مردمی)،



شکل ۲: مدل ارکان چهارگانه پایداری

منبع: Hawkes, 2001

هاوک دولت را موظف می‌داند که دولت چارچوبی را برای ارزیابی تأثیرات فرهنگی تصمیمات و طرح‌های محیطی و اقتصادی و اجتماعی تهیه کند. در مدل چهار رکنی پایداری، کیفیت و سرزندگی جامعه، ارتباط نزدیک با کیفیت و سرزندگی گفتمان‌ها و رسوم فرهنگی دارد. این مدل بیان می‌کند که فرهنگ در تکوین شهرها و جوامع سرزنده دلخواه برای زندگی و کار، نقش مهمی ایفا می‌کند و بر سلامت اجتماعی و اقتصادی آنها تأثیر می‌نهد (شکل ۲) (Hawkes, 2001).

با توجه به اهمیت مقوله فرهنگ در برنامه‌ریزی، بایستی نحوه ورود آن در فرایند برنامه‌ریزی مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب در اینجا، چشم‌انداز و چارچوب فرهنگی و اهمیت آن به‌عنوان ابزاری برای تدوین دورنمای کلی در مراحل اولیه برنامه‌ریزی و چارچوب ارزیابی در فرایند برنامه‌ریزی بررسی می‌شود.

اهمیت چشم‌انداز فرهنگی و چارچوب فرهنگی در فرایند برنامه‌ریزی

اهمیت چشم‌انداز فرهنگی به‌عنوان اساس تمام برنامه‌ریزی‌های عمومی، با توجه به اینکه فرهنگ به مفهوم تجلی و ظهور «انسان بودن» است، مشخص می‌شود. این بدان معناست که گام نخست در فرایند برنامه‌ریزی، باید درک ارزش‌ها و مطالبات گروه‌هایی باشد که تحت تأثیر فرایند برنامه‌ریزی قرار می‌گیرند (اشتریان، ۱۳۸۱).

پس از تدوین چشم‌انداز فرهنگی، لازم است تا چارچوب فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. چارچوب فرهنگی کارآمدتر از تدوین سیاست فرهنگی است (اشتریان، ۱۳۸۱). چارچوب فرهنگی ابزاری در بررسی و تحلیل طرح‌هاست. همان‌طور که برای ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌ها از چارچوب‌های اجتماعی و زیست‌محیطی و اقتصادی استفاده می‌شود، باید از «چارچوب‌های فرهنگی» نیز در این زمینه بهره جست. پرسش‌هایی که می‌بایست در «چارچوب فرهنگی» مورد توجه قرار گیرند، اینها هستند:

- کیفیت داده‌های جامعه محلی، در شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های پیشنهادی تحت بررسی، چگونه بوده است؟
- این فعالیت‌ها تا چه حد بازتاب ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی جوامع محلی‌اند؟
- آیا این فعالیت‌ها، ظرفیت فعل و انفعالات، کنش‌ها، واکنش‌ها و تعاملات جوامع محلی را بهبود می‌بخشند؟ (اشتریان، ۱۳۸۱).

ختم‌شده‌ها و رویه‌های برنامه‌ریزی عمومی، به روشی استاندارد برای سنجش آثار فرهنگی طرح‌ها و برنامه‌های پیشنهادی نیاز دارند. اگر بپذیریم که برای رسیدن به جامعه پایدار و سالم، به همان اندازه‌ای که «عدالت اجتماعی»، «تعهد زیست‌محیطی»، و «امکان‌پذیری اقتصادی» پراهمیت و درخور توجه‌اند، «سرزندگی فرهنگی» نیز لازم و ضروری است. همچنین در صورت اینکه پذیرفته شود که در تمام تلاش‌های انسانی، فرهنگ نقش پررنگی دارد، پس به شیوه‌ای نیاز است تا تضمین کند که تمام فعالیت‌های عمومی، منظور فرهنگی نیز مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند. در عین حال، به جای تدوین سیاست فرهنگی جداگانه و غیرمنسجم، مؤثرترین راه، همانا شکل‌گیری «چارچوبی فرهنگی» است که بتواند برای تمام سیاست‌های فرهنگی به کار گرفته شود.

بررسی نمونه‌های موردی در خصوص برنامه‌ریزی فرهنگی، با رویکرد پایداری

فرهنگی - نمونه کانادا و امریکا

همان‌طور که در تعریف و بررسی مقایسه‌ای ابعاد پایداری ذکر شد، مهم‌ترین ویژگی پایداری فرهنگی،

تمایز برای دستیابی به تنوع فرهنگی است. در این بخش دو نمونه از برنامه‌ریزی فرهنگی در امریکا و کانادا با محوریت تنوع فرهنگی و در مطابقت با دستور کار ۲۱ سازمان ملل متحد بررسی می‌شوند. همان‌طور که پیش از این در روش تحقیق اشاره شد، بررسی تطبیقی این دو نمونه با نمونه تهران امکان‌پذیر است. انتخاب این دو نمونه دلیل دیگری هم دارد: بررسی نمونه کشورهای مختلف در زمینه برنامه‌ریزی فرهنگی با رویکرد تنوع فرهنگی و مقایسه آن با نمونه تهران، به‌وسیله تحلیل خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی^{۲۸}، حاکی از آن است که نمونه کانادا و امریکا و نمونه شهر تهران در خوشه واحدی قرار می‌گیرند.

در این بخش ضمن بررسی شیوه‌شناسی و محورهای مورد توجه در برنامه‌ریزی فرهنگی با رویکرد پایداری فرهنگی در این دو نمونه، شاخص‌های برنامه‌ریزی فرهنگی نیز شناسایی می‌شوند. نتایج این نمونه‌ها، بخشی از طرح مطالعاتی گسترده‌ای است که در پی پاسخ به تجلیات پشتیبان تنوع فرهنگی در شهرهای دنیاست. طرح مذکور با پیشگامی یونسکو و به مدیریت «کمیته فرهنگی اتحادیه شهرها و حکومت‌های محلی» انجام گرفته است (UNESCO, 2001; UNESCO, 2005).

به‌طور کلی ساختار کلی بررسی این دو نمونه به شرحی است که در ادامه ذکر می‌شود. روش تحقیق در بررسی این دو نمونه در شناخت شهرها، عمدتاً مبتنی بر مرور منابع و در جمع‌آوری اطلاعات، مبتنی بر تکنیک مشاهده بوده است. مشاهدات اجمالی تیم تحقیق از اشکال متنوع تجلیات فرهنگی که تحت شرایط جغرافیایی مختلف، افراد و گروه‌های مردمی متمایز و جز اینها پدیدار شده‌اند، صورت گرفته است. در ادامه، هدف‌گذاری کلان تدوین شده است، که مهم‌ترین هدف‌ها عبارت بوده‌اند از: دخالت دادن شهروندان در فعالیت‌های نظام‌مند فرهنگی؛ ترغیب استفاده از فضاهای عمومی به‌عنوان حوزه‌های مشمول تعامل و لذات جمعی؛ برقراری ارتباط میان تنوع فرهنگی و شمول اجتماعی؛ برقراری ارتباط میان بخش‌های فرهنگی، صنایع خلاق، و اقتصاد؛ تضمین جایگاه فرهنگ در سیاست‌های شهری و حکمرانی محلی.

در ادامه، روند تدوین سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در این دو نمونه و به‌منظور تبیین شاخص‌ها، شناسایی ساختارهای تکرار شونده و الگوهای تنوع فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. این نظام ساختارها، در موقعیت‌های مختلفی که تجلیات پویا و متنوع فرهنگی را باز می‌نمایانند، مشاهده و شناسایی می‌شوند، که البته در عین حال باید مرتبط با اهداف کلان سیاست‌گذاری باشند. در اینجا هشت الگوی فرهنگی شناسایی شده‌اند که شاخص‌ها براساس آنها تدوین می‌شوند. این شاخص‌ها باید به تحقق اهداف پنج‌گانه منجر شوند. شاخص‌های مورد بحث پیش از اینکه جامع و کامل باشند، به ضرورت می‌بایست محرک‌گونه و یادآورنده^{۲۹} باشند. بدین ترتیب اینها به دو حوزه کلی تقسیم می‌شوند: شاخص‌هایی که به‌طور مستقیم با مراجع محلی مرتبط‌اند؛ و شاخص‌هایی که بیشتر با شرایط جامعه ارتباط می‌یابند. در جدول شماره ۱، خلاصه اهداف و محورهای سیاست‌گذاری فرهنگی در برنامه‌ریزی فرهنگی در نمونه کانادا و امریکا آورده شده است.

در کانادا، شهرهای ونکوور، تورنتو^{۳۰}، مونترال^{۳۱}، اتاوا^{۳۲} و وینیپگ^{۳۳}؛ و در ایالات متحد شهرها و مناطق کلان‌شهری نیویورک^{۳۴}، لس‌آنجلس^{۳۵}، سان‌فرانسیسکو^{۳۶}، سیلیکون ولی^{۳۷}، سیاتل^{۳۸}، هوستون^{۳۹}، شیکاگو^{۴۰}، فیلادلفیا^{۴۱}، بوستون^{۴۲}، و میامی^{۴۳} مورد بررسی و بازبینی قرار گرفتند. وجود طرح‌ها و سیاست‌های پشتیبان تنوع تجلیات فرهنگی در این شهرها، و نمود الگوهای فرهنگی مهم رایج در آنها، و نیز مهاجرپذیر بودن بسیاری از این شهرها، از جمله دلایل انتخاب آنها بوده است. این شهرها مکان‌هایی هستند که تنوع و گوناگونی فرهنگی در آنها به‌صورت متمرکز وجود دارد و در حال افزایش است (UNESCO, 2005).

نظام ساختارهای بستر ساز، الگوهای تنوع فرهنگی

از طریق بازبینی و بررسی شمار زیادی از مشاهدات مربوط به طرح‌های بدیع و پویا و نیز ابتکارات فرهنگی جاری در شهرهای مختلف کانادا و امریکا، امکان تبیین و تشخیص «نظامی از ساختارهای بستر ساز»^{۴۴} که پشتیبان و زمینه‌ساز طرح‌ها و ابتکارات بدیع مذکور بودند، فراهم می‌شود. در واقع این نظام، شامل ساختارهای تکرارشونده‌ای است که در موقعیت‌های مختلف تجلی فرهنگ را باز نمایند. در خلال این بررسی، و در بطن این نظام، چندین الگوی مهم و تکرارشونده که ارتباط مستقیم با تجلیات پویا و قدرتمند تنوع فرهنگی دارند و امکان چنین تنوعی را فراهم می‌سازند، شناسایی شده است که از آن جمله می‌توان به اینها اشاره کرد:

- «پیوند یا اختلاط فرهنگی»^{۴۵} (Ashworth, 1998; Fraser, 1994)؛
- «دموکراسی فرهنگی»^{۴۶} (Declaration of Cultural Human Rights, 1984)؛
- «حکمرانی فرهنگی»^{۴۷} (Ley & Germain, 2000; Summit De La Culture-Montreal, 2001)؛
- «عامل فرهنگی / انرژی فرهنگی»^{۴۸}؛
- «خدمات عمومی»؛
- «اکولوژی فرهنگی»^{۴۹} / پایداری اقتصادی» (Borrup, 2004)؛
- «فضای فرهنگی»؛ و
- «مجاری تسری دانش فرهنگی»^{۵۰} (سایت Uts'am Witness Program).

شاخص‌ها

بر اساس تحقیق یونسکو در شهرهای نمونه از نحوه تجلی ملموس و غیرملموس تجلی فرهنگی، طیفی از جوانب مختلف این نظام ساختاری که به حمایت از تجلیات تنوع فرهنگی کمک می‌کنند، و توجه به آنها در مسیر تحقق اهداف می‌تواند بسیار سودمند باشد، شناسایی می‌شوند. همان‌طور که پیش از این نیز بیان شد، این شاخص‌ها در دو طیف ارائه می‌شوند، اما نکته بااهمیت این است که تقسیم‌بندی مذکور نشانگر دو حوزه کاملاً مجزا و مستقل از هم نیست بلکه این دو حوزه در واقع روابط ارزشمندی با یکدیگر دارند.

الف) شاخص‌های معطوف به مراجع محلی

- حمایت مالی از رخدادهای و ابتکارات میان فرهنگی؛
- بودجه‌ریزی روشن و دقیق برای انجام ابتکارات متنوع فرهنگی؛
- وجود برنامه‌ها، سیاست‌ها و حساسیت‌های فرهنگی و هنری که پشتیبان تجلیات متنوع فرهنگی باشند؛ (الف) در سطح مراجع محلی؛ (ب) در سطح دیپارتمان‌های فرهنگی مراجع محلی؛ و (ج) در سطح دیپارتمان‌های مدنی اما عمدتاً غیر فرهنگی مراجع محلی؛
- حمایت از ایجاد محیط‌های انسان‌ساخت، و برنامه‌ریزی و راه‌اندازی تسهیلاتی که پشتیبان تعاملات اجتماعی و میان فرهنگی باشند؛
- ترغیب استفاده عمومی از فضای شهری به‌عنوان مکان بروز تجلیات فرهنگی، و نیز مکانی برای تجمعات و گردهمایی‌های میان فرهنگی؛ و
- شناخت و ترغیب رهبران و داوطلبانی که برای تحقق اهداف حمایت از تجلیات تنوع فرهنگی، فعالیت می‌کنند (Duxbury, Nancy, Simons, and Warfield, 2006).

ب) شاخص‌های معطوف به شرایط جامعه

- وجود نهادهای مختلف فرهنگی در مقیاس محله، شهر و منطقه؛
- وجود آن دسته از ابتکارات فرهنگی که حوزه‌های بنیادین فرهنگی را جهت‌دهی یا سازماندهی می‌کنند؛
- رسانه‌های همگانی غیرمتمرکز که مخاطبان‌شان شهروندان مختلف‌اند (در مقابل رسانه‌هایی که بر مخاطبان محدود و منفعل تمرکز دارند)؛
- تعهد به خدمات‌دهی به شهروندان؛
- وجود رهبران و داوطلبان متنوع که به خوبی حمایت می‌شوند؛
- وجود منابع مالی و اقتصادی (دولتی، بنیادهای خیریه و خصوصی) برای طیف وسیعی از اقدامات فرهنگی که موجب ایجاد تنوع در جوامع محلی می‌شوند؛
- وجود همکاری‌های مبتکرانه میان فرهنگی، به‌ویژه در قلمروهای عمومی و خصوصی؛
- وجود تعادل و موازنه میان گردشگری فرهنگی داخلی و خارجی؛
- ترغیب صنایع میان فرهنگی؛
- وجود محیط‌های انسان‌ساخت سازگار و فرهنگ‌مدار باززنده‌سازی شهری یا ابتکارات انطباقی متمرکز بر هنر و تنوع؛ و
- اشکال متنوع تسری دانش فرهنگی، از تحقیقات رسمی آکادمیک در موقعیت‌های مختلف گرفته، تا مربی‌گری یا کارآموزی‌های فردی غیررسمی (Sandercock, 2003; Duxbury, Nancy, Simons, and Warfield, 2006; Ley, 2000)

جمع‌بندی شاخص‌های توجه شده به‌منظور تحقق برنامه‌ریزی فرهنگی با رویکرد پایداری، نشان می‌دهد که مهم‌ترین شاخص‌های مورد توجه در این دو نمونه مشتمل‌اند بر:

- | | |
|------------------------------------------|------------------|
| • دسترسی | • آموزش |
| • مشارکت مدنی (داوطلبانه و سازمان‌یافته) | • خلاقیت |
| • حقوق شهروندی و فرهنگی | • ارتباطات |
| • فعالیت‌های هنری و فرهنگی | • گردشگری فرهنگی |
| • فضاهای مدنی | • منابع مالی |
| • خدمات فرهنگی | |

همان‌طور که جمع‌بندی بررسی نشان می‌دهد، دامنه تنوع فرهنگی در شهرها رو به افزایش است. از سوی دیگر، درک از این مفهوم به عنوان هدف پایداری فرهنگی نیز باید ارتقا یابد. در عین حال، رویکردهای سیاست‌گذاری به موضوع تنوع فرهنگی به جای قطعی و جزمی بودن، باید تمام‌شمول و فراگیر باشند؛ سیاست‌های مذکور باید سازگاری و انعطاف‌پذیری لازم را در برابر شرایط متغیر در خود داشته باشند. همچنین تأمین اعتبارات مالی به‌وسیله مراجع شهری، نه تنها برای فرهنگ و هنر، بلکه برای دیگر خدمات اجتماعی نیز لازم و ضروری است؛ و به همین خاطر باید راه‌حل‌ها و تمهیداتی اندیشیده و در نظر گرفته شوند که از طریق آنها، شهرداری‌ها بتوانند اقدامات حمایتی‌شان را از ابتکارات فرهنگی محقق سازند.

جدول ۱. اهداف و محورهای سیاست‌گذاری فرهنگی در نمونه کانادا و امریکا

گروه‌های دخیل در سیاست‌گذاری فرهنگی: کمیته فرهنگی اتحادیه شهرها و حکومت‌های محلی (شهرداری‌ها)	
<p>اهداف برنامه‌ریزی فرهنگی در نمونه کانادا و امریکا</p> <ul style="list-style-type: none"> - پشتیبانی از تنوع فرهنگی؛ - دخالت دادن شهروندان در فعالیت‌های نظام‌مند فرهنگی (مشارکت مدنی)؛ - ترغیب استفاده از فضاهای عمومی به‌عنوان حوزه‌های مشمول تعامل و لذت جمعی؛ - برقراری ارتباط میان تنوع فرهنگی و شمول یا در برگیری اجتماعی؛ - برقراری ارتباط میان بخش‌های فرهنگی؛ - صنایع خلاق و اقتصاد؛ و - تضمین جایگاه فرهنگ در سیاست‌های شهری و حکمرانی محلی. 	
فعالیت‌ها، استراتژی‌ها	ملاحظات سیاست‌گذاری
<ul style="list-style-type: none"> - سازمان دادن جشنواره‌های فرهنگی و قومی؛ - تقویت و پشتیبانی از تکامل ماهوی و جست‌وجوگرانه اشکال اصیل تجلی فرهنگی، به‌جای نگرش موزه‌ای مانند مراسم‌های خاص، هنرهای سنتی، کشف و جمع‌آوری داستان‌های خانوادگی و جز اینها؛ و - تقویت ارتباطات مجازی. 	پیوند یا اختلاط فرهنگی
<p>گروه‌های دخیل در سیاست‌گذاری فرهنگی: کمیته فرهنگی اتحادیه شهرها و حکومت‌های محلی (شهرداری‌ها)</p>	
<ul style="list-style-type: none"> - حمایت و بسط حقوق شهروندی؛ - حمایت و بسط عدالت اجتماعی؛ - دسترسی فرهنگی؛ - تأکید بر حکمرانی محلی؛ و - ایجاد زمینه برنامه‌ریزی عمومی. 	دموکراسی فرهنگی
<ul style="list-style-type: none"> - تکیه بر ابداعات شهروندمحور؛ - استفاده خلاقانه و مبتکرانه از رخداد‌های فرهنگی (مراسم، جشنواره‌ها و شبکه‌های مجازی)؛ و - تکیه و تقویت تجلیات فرهنگی (نقاشی دیواری و دیوارنویسی). 	تأکید بر عامل فرهنگ
<ul style="list-style-type: none"> - فراهم آوردن زمینه انجام داوطلبانه امور بدون تقاضا و دستمزد. 	تأکید بر خدمات فرهنگی
<ul style="list-style-type: none"> - فراهم آوردن زمینه تفکر فرهنگی اکولوژیک (مانند طرح مزرعه و بازار، طرح آثار هنری همگانی)؛ - فراهم آوردن زمینه گردشگری فرهنگی؛ و - تأکید بر ایجاد صنایع فرهنگی میان فرهنگی. 	تأکید بر اکولوژی فرهنگی
<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد یا تطبیق فضا برای کاربران مختلف؛ - احیا و باززنده‌سازی فضاهای عمومی، با تکیه بر تاریخچه فرهنگی؛ - ایجاد مکان‌هایی به قصد تنوع؛ و - تکیه بر طرح‌های توسعه و باز زنده‌سازی شهر با تأکید بر تنوع و مشارکت فرهنگی. 	تأکید بر تحقق فضای فرهنگی
<ul style="list-style-type: none"> - تکیه بر نهادهایی مانند مؤسسات و شبکه‌های تحقیقاتی دانشگاهی، مدارس دولتی و مانند اینها؛ - توجه به فراهم آوردن زمینه برگزاری دوره‌های مطالعاتی؛ و - توجه به فراهم آوردن طرح‌های ابتکاری تحقیقاتی ویژه. 	فراهم آوردن زمینه تسری فرهنگی
<p>نتایج: ایجاد و تقویت روابط میان فرهنگی؛ تحقق برابری؛ توزیع عادلانه عواید حاصل از صنایع فرهنگی؛ تأثیر گردشگری بر سیر تکامل و ماهیت تجلی فرهنگ‌ها؛ دلبستگی و خاطرات؛ و مشارکت مدنی شهروندان.</p>	

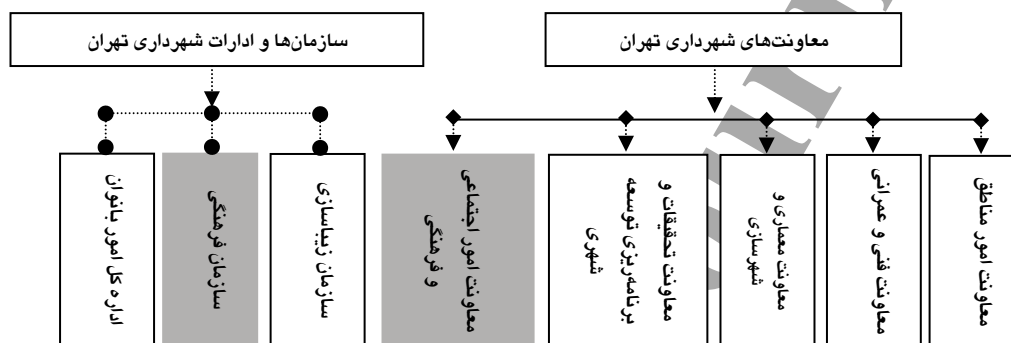
بررسی نمونه تهران - شهرداری تهران

در بخش پیش، برنامه‌ریزی فرهنگی در دو نمونه کانادا و امریکا مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که نهادهای مؤثر در برنامه‌ریزی فرهنگی در نمونه‌های مورد مطالعه، حکومت‌های محلی یا همان شهرداری‌ها هستند، به‌منظور فراهم آوردن بستری برای بررسی تطبیقی، تعمق بر عملکرد شهرداری تهران مورد توجه قرار گرفته است. پیش از بررسی نحوه عملکرد شهرداری تهران در زمینه امور فرهنگی، لازم است تا با رویکردی کلان‌تر به موضوع، ابعاد برنامه‌ریزی فرهنگی در شهر تهران مورد توجه قرار گیرد. بنابراین بررسی برنامه جامع فرهنگی تهران مصوب سال ۱۳۸۷ می‌تواند راهگشا باشد (مظفری، رزاقی، ۱۳۸۷). بررسی کلی ابعاد این برنامه - مشتمل بر چشم‌انداز، محورها و اهداف کلان آن - نشان می‌دهد که هر چند محورهای مورد توجه در این برنامه ابعاد بسیط فرهنگ را مورد توجه قرار می‌دهد، اما تحقق برنامه مبتنی بر رویکرد کلان‌نگر - توسعه پایدار نیست. در عین حال بررسی شاخص‌ها نیز حاکی از آن است که توجه به برخی از شاخص‌ها مانند دسترسی با ابعاد متفاوت آن (شامل دسترسی به مراکز فرهنگی، دسترسی به اطلاعات، دسترسی به خدمات، دسترسی به تحصیل و جز آن) و نیز آزادی، تنوع فرهنگی و مسئولیت‌پذیری در برنامه‌ریزی فرهنگی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در عین حال با توجه به اهمیت هویت ملی و مذهبی، عامل مذهب از مهم‌ترین محورهای مورد توجه در برنامه فرهنگی شهر تهران و سایر اسناد کلان کشور در زمینه فرهنگی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که توجه به مقوله فرهنگی و اجتماعی در برنامه‌های شهرداری تهران، به صورت خاص مورد توجه است. اما نکته درخور اهمیت آن است که در برنامه‌ریزی فرهنگی شهر تهران، به صورت مشخص توجه به رویکرد پایداری فرهنگی در نظر نیست، به گونه‌ای که در بیان هدف فرهنگی شهر تهران، بر «ارتقای فرهنگ و اخلاق شهری» تأکید می‌شود. این در حالی است که امروزه ضرورت توجه به توسعه پایدار شهری در مقیاس کلان و در عین حال مد نظر قراردادن چارچوب پایداری فرهنگی در برنامه‌ریزی به شدت احساس می‌شود. این امر بدین دلیل است که روند جهانی‌سازی، منجر به همسانی کلان‌شهرهای دنیا در شکل و کالبد شده است و برای گریز از تبعات چنین روندی، توجه به ابعاد پایداری فرهنگی برای ایجاد هویت متمایز هر یک از کلان‌شهرها ضروری است. بنابراین با در نظر گرفتن ویژگی‌های کلان‌شهری چون تهران و به‌منظور تحقق اهداف برنامه جامع شهر تهران (۱۳۸۶)، ضرورت حفظ هویت بومی و فرهنگی آن احساس می‌شود. بدین ترتیب لازم است تا اهداف و وظایف شهرداری تهران، به‌عنوان نهاد اجرایی بسیار تأثیرگذار بر این امر، مورد بررسی دقیق قرار گیرد تا از خلال این بررسی نقاط ضعف احتمالی و پیشنهادهای لازم در این خصوص ارائه شود.

همان‌طور که در بررسی نوشتارهای تخصصی این موضوع و بررسی نمونه موردی خارجی مشاهده شد، مهم‌ترین هدف برنامه‌ریزی با رویکرد پایداری فرهنگی تحقق تنوع و هویت فرهنگی است که در بستر الگوهای تعیین‌کننده مختلفی مانند «پیوند یا اختلاط فرهنگی»، «دموکراسی فرهنگی»، «عامل فرهنگی، انرژی فرهنگی»، «خدمات عمومی»، «اکولوژی فرهنگی، پایداری اقتصادی» و مانند اینها محقق می‌شود. بدین ترتیب با در نظر گرفتن این چارچوب، بررسی مهم‌ترین نهادهای تأثیرگذار بر برنامه‌های فرهنگی شهر تهران مورد مذاقه قرار می‌گیرد. در ابتدا، بررسی‌ای کلی در زمینه اهداف، مسئولیت‌ها و وظایف معاونت‌های شهرداری تهران صورت گرفته است تا معاونت‌های تأثیرگذار در سیاست‌گذاری فرهنگی تعیین شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که به‌جز معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، که به‌طور اخص وظیفه امور فرهنگی را عهده‌دار است، استفاده از امکانات و پتانسیل‌های سایر سازمان‌ها در جهت همکاری در امور فرهنگی و تحقق برنامه‌ها و سیاست‌های فرهنگی، ممکن و ضروری است. در عین حال، ادارات و سازمان‌های کل شهرداری تهران نیز مورد بررسی قرار گرفتند و از میان

آنها سازمان‌های دخیل شناسایی شدند. شکل ۳ نشان‌دهنده نهادهای شهرداری تهران است که اهداف و مأموریت‌های‌شان به تفصیل بررسی شده‌اند و به نظر می‌رسد که می‌توانند به عنوان سازمان همکار در تحقق برنامه‌ریزی فرهنگی یاری رسانند.



شکل ۳. نهادهای تأثیرگذار بر امور فرهنگی

منبع: سایت شهرداری تهران

بررسی نهادهای تأثیرگذار شهرداری تهران در امور فرهنگی

الف) بررسی معاونت امور اجتماعی و فرهنگی

معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، عهده‌دار امور فرهنگی است؛ بنابراین به طور خاص اهداف و وظایف و مسئولیت‌های این معاونت مورد بررسی قرار می‌گیرد. از میان سایر معاونت‌ها^{۵۱}، وظایف و اهداف برخی از این نهادها مشتمل بر معاونت فنی و عمرانی، معاونت معماری و شهرسازی، معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی توسعه شهری، معاونت حقوقی و مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، می‌توانند در مسیر تحقق اهداف و برنامه‌های فرهنگی قرار گیرند و با توجه به سنجش وظایف و مسئولیت‌های آنها، به عنوان نهاد همکار در موضوع تحقق برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی در نظر گرفته شوند. اهداف این معاونت عبارت‌اند از (سایت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی):

- شناخت پدیده‌ها، مسائل و نیازهای اجتماعی و فرهنگی شهر تهران؛
- تبیین و تعمیق بنیان‌های رویکرد اجتماعی در فعالیت‌های مدیریت شهری؛ و
- تعیین خط‌مشی فعالیت‌ها و برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی (سایت شهرداری تهران).

این معاونت، به منظور انجام «ارتقای فرهنگ و اخلاق شهری»، مأموریت دارد؛ تا بهره‌گیری از نقش بی‌بدیل دین در تأمین آرامش و نشاط و فرهنگ روابط سالم شهروندان تهرانی به‌عنوان کانون اصلی توجه در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز و رسالت خود با مدیریت اجتماعی فرهنگ در تولیدات، خدمات، فضاها و مکان‌های فرهنگی، فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن تکالیف و حقوق شهروندی اقدام کند (سایت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی).

ب) سازمان فرهنگی شهرداری تهران

این سازمان دارای پنج معاونت مشتمل بر معاونت فرهنگی، معاونت هنری، معاونت هماهنگی مناطق، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه و معاونت پشتیبانی و مالی است، که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. بررسی وظایف ادارات و شرکت‌های زیرمجموعه معاونت امور اجتماعی و فرهنگی

مهم‌ترین شاخص‌های مورد توجه	مهم‌ترین اهداف و وظایف	نام نهاد		
آموزش	رسالت این دفتر، انجام مطالعات و پژوهش‌های مورد نیاز حوزه اجتماعی و فرهنگی شهر تهران به منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی معاونت اجتماعی و فرهنگی و بخش‌های مرتبط با آن در شهرداری تهران است.	دفتر مطالعات اجتماعی-فرهنگی تهران	ادارات	معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران
	خدمات فرهنگی	کاهش آسیب‌های زنان آسیب‌دیده اجتماعی		
حقوق شهروندی	کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از اسکان غیررسمی	اداره سلامت		
آموزش	توانمندسازی تشکلهای غیردولتی	اداره کل آموزش و مشارکت‌های اجتماعی		
	اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی عمومی در زمینه آسیب‌های اجتماعی			
	جز اینها.			
فضای مدنی	طرح اجرایی خانه سلامت	اداره کل آموزش و مشارکت‌های اجتماعی		
	سالم نگاه‌داشتن فضاهای عمومی			
خدمات فرهنگی	ارتقای آگاهی‌ها، خواسته‌ها و توانمندی‌های شهروندان برای زندگی سالم و حیات اجتماعی مطلوب با تأثیر در ابعاد بینش و منش و رفتار جامعه و تأمین هویت اسلامی و ایرانی شهر تهران	اداره کل آموزش و مشارکت‌های اجتماعی		
آموزش و آگاهی	ارائه خدمات آموزشی به شهروندان			
مشارکت	توانمندسازی اقشار جامعه از طریق فعال‌سازی ظرفیت‌ها و فرصت‌های مردمی	اداره کل آموزش و مشارکت‌های اجتماعی		
	شناسایی، سازماندهی و حمایت از تشکلهای مردمی و غیردولتی			
حقوق شهروندی	مدیریت فرهنگی پارک‌ها و فضاهای عمومی	اداره کل فرهنگی		
فضای مدنی	ساماندهی اوقات فراغت شهروندان تهرانی با رویکرد محله‌محوری			
	ترویج و توسعه فرهنگ شهروندی	شرکت توسعه فضاهای فرهنگی		
مشارکت مدنی	فعالیت مشارکتی یا حمایتی در زمینه تولیدات فرهنگی			
خدمات فرهنگی	ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و رفاهی	سازمان خدمات اجتماعی و رفاهی		
	مهار و کاهش و پیشگیری از آسیب‌ها با رویکرد جامعه‌نگر			
فعالیت فرهنگی	سرمايه‌گذاري و انجام امور اقتصادي مشارکت‌محور	سازمان خدمات اجتماعی و رفاهی		
مشارکت مدنی	به‌منظور پشتیبانی از مأموریت‌های سازمان			
منابع مالی	برنامه‌ریزی برای جلب مشارکت مردمی در امور فرهنگی و خدمات اجتماعی	معاونت‌ها		
خدمات فرهنگی	مشمول بر معاونت فرهنگی و هنری، هماهنگی مناطق، برنامه‌ریزی و توسعه و پشتیبانی مالی			
	خدمات و محصولات فرهنگی	دفتر مطالعات فرهنگی		
	مدیریت امور سینما و تلویزیون			
	دیگر گزینه‌ها	سایر بخش‌ها		
	بهره‌مندی از دستاوردهای پژوهشی و مطالعاتی پژوهشگران و اندیشمندان حوزه فرهنگ و حقوق شهروندی			
آموزش	اهتمام در شناخت مسائل فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی شهر	دفتر مطالعات فرهنگی		
حقوق شهروندی	توجه به رویکرد علمی-کاربردی در حل مسائل فرهنگی شهر تهران			

عمده وظایف معاونت فرهنگی، عبارت‌اند از: طراحی و ارزیابی فرهنگی، خدمات و محصولات فرهنگی، فرهنگ بین‌الملل، امور کتاب و کتابخانه‌ها و نظایر اینها. در این میان معاونت هنری شهرداری تهران، وظیفه مدیریت امور سینما و تلویزیون، مدیریت هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی، امور موسیقی و آفرینش‌های ادبی را برعهده دارد. مرکز مطالعات فرهنگی از مؤسسات زیرنظر سازمان فرهنگی است. در عین حال دفتر مطالعات فرهنگی شهرداری تهران، زیرمجموعه سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران است. در جدول ۲، وظایف نهادهای مرتبط با برنامه‌ریزی فرهنگی شهرداری تهران بیان شده و شاخص‌های مورد تأکید در هر بخش نیز ارائه گردیده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، شاخص‌های مورد توجه نهادهای فرهنگی شهرداری تهران شاخص‌های پایداری فرهنگی‌اند، اما توجه و تأکید بر تنوع و تمایز فرهنگی به‌طور اخص مورد توجه نیست. بدین ترتیب ضرورت تأکید بر آن در سطح بالاتر و تبیین اهداف و شاخص‌ها به‌منظور تحقق این رویکرد ضروری است. در این میان نهادهای دخیل در امور فرهنگی شهرداری تهران نیز بررسی شده‌اند. هر یک از این نهادها می‌توانند براساس انطباق وظایف و تحقق اهداف فرهنگی، به عنوان سازمان مسئول یا همکار معرفی شوند؛ هر چند باید توجه داشت که این امر، تنها بخشی از فرایند تحقق رویکرد پایداری فرهنگی در برنامه‌ریزی است؛ چرا که در ابتدا ضرورت تدوین چشم‌انداز فرهنگی برای شهر تهران، با هدف تحقق تنوع و هویت فرهنگی مطرح است، و در گام بعد ضروری است که اهداف و استراتژی‌ها و راهبردهای تحقق شاخص‌ها ارائه شود. مرحله نهایی، مشتمل بر معرفی نهاد مسئول و سایر نهادهای همکار است، که ضمانت اجرایی برنامه را فراهم می‌کند. از آنجا که سایر بخش‌های فرایند برنامه‌ریزی فرهنگی بررسی گسترده‌ای را طلب می‌کند، به تحقیق دیگری هم نیاز است. در این نوشتار، تنها بررسی و تحلیل وظایف نهادهای مرتبط با امور فرهنگی شهرداری تهران مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

امروزه توجه به رویکرد توسعه پایدار شهری در برنامه‌ریزی و طراحی شهری بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد در سال‌های اخیر توسعه یافته و تدقیق شده است و مشتمل بر چهار بعد محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. توجه به بُعد فرهنگ با روندهای رو به رشد جهانی به چارچوبی مهم در ابعاد برنامه‌ریزی عمومی تبدیل شده است. این مقاله، پایداری فرهنگی را با تبیین اجمالی سایر ابعاد رویکرد پایداری مورد بررسی قرار داده و ضمن ارائه مفاهیم مرتبط با این موضوع، اهداف آن را به تفصیل تشریح کرده است. افزون بر آن، به اهمیت توجه به مفهوم فرهنگ در قالب برنامه‌ریزی عمومی پرداخته شده و ضرورت توجه به موضوع فرهنگ در قالب مدل مشخص تشریح گردیده است. اساس تدوین چشم‌انداز و چارچوب فرهنگی در برنامه‌ریزی نیز در اینجا مورد تأکید قرار گرفته است.

بررسی نمونه‌های موردی موفق، مطابق با دستور کار ۲۱ سازمان ملل متحد و در عین حال با قابلیت تطبیق با نمونه تهران، به عنوان زمینه‌هایی که اهداف و محورهای برنامه‌ریزی فرهنگی مبتنی بر رویکرد پایداری را مورد توجه قرار می‌دهند، به‌عنوان بخش مهم این پژوهش مدنظر قرار گرفته است. بررسی نحوه تدوین شاخص‌ها، روش‌های برداشت تجلیات فرهنگ و الگوهای کلان تنوع فرهنگی به عنوان عمده‌ترین هدف پایداری فرهنگی که به هویت فرهنگی منجر می‌شود نیز از پراهمیت‌ترین موضوعات مورد بررسی بوده است. نتایج این بررسی‌ها حاکی از آن است که توجه به مقوله تنوع و هویت فرهنگی بایستی در طرح‌ها و سیاست‌های فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. به‌علاوه، ابعاد ملموس و ناملموس

تجلیات فرهنگی نیز باید در نظر گرفته شود. شیوه و روش مطرح شده در این نمونه‌ها و نکات مثبت آنها، امکان بررسی دقیق‌تر نمونه تهران را فراهم می‌کند. بررسی نمونه شهر تهران در قالب رویکرد کلان برنامه‌ریزی فرهنگی به صورت اجمالی، نبود چارچوب مبتنی بر رویکرد پایداری فرهنگی در روند تدوین آن را خاطرنشان می‌کند. در عین حال بررسی نحوه برخورد شهرداری تهران با امور فرهنگی حاکی از آن است که شاخص‌های مورد توجه سازمان و معاونت‌های شهرداری تهران، غالباً هم‌سو با شاخص‌های تحقق پایداری فرهنگی نیستند. بدین ترتیب با توجه به شرایط روندهای کنونی مانند جهانی شدن از یک سو، و ضرورت حفظ هویت فرهنگی شهر تهران از سوی دیگر، توجه به تحقق اهداف پایداری فرهنگی به منظور حفظ هویت متمایز فرهنگی شهر تهران امری ضروری است. بنابراین، در برنامه‌ریزی فرهنگی شهر تهران، به منظور جامه عمل پوشاندن به اهداف برنامه‌های توسعه، اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله و طرح جامع تهران در بخش فرهنگی، توجه و تدقیق در ابعاد فرهنگی پایداری بسیار ضرورت می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها

1. Agenda 21
2. Sustainable Development
3. Cultural Sustainability
4. Social Capital
5. Hildegard Kurt
6. Aesthetics of Sustainability
7. Cultural Diversity
8. Pike, Matthew
9. The Culture of Sustainability
10. Globalization
11. Heritage Conservation
12. Sense of Place
13. Indigenous Knowledge and Traditional Politics
14. Planning
15. Cultural Sustainability and Local Government
16. Social Sustainability / Social Capital
17. Citizen Participation
18. Consensus Building
19. Community Cultural Development
20. Partnership
21. Expert-Amateur Relationship
22. Brundtland
23. The Fourth Pillar of Sustainability
24. Environmental Responsibility
25. Economic Health
26. Social Equity
27. Cultural Vitality
28. Hierarchical Clustering
29. Inspiring
30. Toronto
31. Montreal
32. Ottawa
33. Winnipeg
34. New York
35. Los Angeles
36. San Francisco
37. Silicon Valley
38. Seattle
39. Houston
40. Chicago
41. Philadelphia
42. Boston
43. Miami
44. Systems of Arrangements
45. Hybridization
46. Cultural Democracy
47. Cultural Governance

48. Cultural Agency / Energy
 49. Cultural Ecology
 50. Conduits for Cultural Knowledge
 ۵۱. معاونت شهرداری تهران شامل اینهاست: معاونت امور مناطق، معاونت مالی و اداری، معاونت فنی و عمرانی، معاونت خدمات شهری، معاونت حمل‌ونقل و ترافیک، معاونت معماری و شهرسازی، معاونت تحقیقات و برنامه‌ریزی توسعه شهری، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی، معاونت حقوقی و شورا و امور مجلس (سایت شهرداری تهران).

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۱) فرهنگ چیست؟، نشر نی، تهران.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۱) *روش سیاست‌گذاری فرهنگی*، نشر شهر و کتاب آشنا، تهران.
- سایت شهرداری تهران: <http://www.tehran.ir>.
- سایت معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران: <http://farhangi.tehran.ir/>.
- مظفری، محمدحسن و رزاقی، حمید (۱۳۸۷) "طرح جامع برنامه‌های فرهنگی شهر تهران"، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز مطالعات شهرداری تهران، ویرایش دوم.
- Ashworth, G. J. (1998) *The Conserved European City as Cultural Symbol: the Meaning of the Text*, In B. Graham (Ed.), *Modern Europe: Place, Culture, identity*. London.
- Assefa, G. & Frostell, B. (2007) "Social Sustainability and Social Acceptance in Technology Assessment: A Case Study of Energy Technologies", *Technology, in Society*, No.29, pp. 63–78.
- Beatley, Timothy & Manning, Kristy (1997) *The Ecology of Place: Planning for Environment, Economy*.
- Blankenship, Sherry (2005) "Outside the Center: Defining Who We Are", *Design Issues*, www.mitpressjournals.org/doi/pdf/10.1162/0747936053103084.
- Borrup, Tom (2004) "Creative Organizations: Putting Culture to Work in Community Development", *Community Arts Network*, URL: http://www.communityarts.net/readingroom/archivefiles/2004/01/creative_organism.php.
- Coleman, J.S (1988) "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, No. 94.
- Colantonio, Andrea (May 2009) *Social Sustainability: Linking Research to Policy and Practice*, Sustainable Development - a Challenge for European Research, Brussels.
- Darlow, Alison (1996) *Cultural Policy and Urban Sustainability: Making a Missing Link?* Planning Ltd, London.
- Declaration of Cultural Human Rights (1984), "Re-issued as the last act of the Alliance for Cultural Democracy", URL: http://www.communityarts.net/readingroom/archivefiles/2004/08/declaration_of.php.
- Duxbury, Nancy & Gillette, Eileen (2007) *Culture as a Key Dimension of Sustainability, Exploring Concepts, Themes, and Models*, Creative City Network of Canada.
- Duxbury, Nancy, Derek Simons, and Katie Warfield (2006) *Local Policies and Expressions of Cultural Diversity*, Creative City Network of Canada, Vancouver, British Columbia, Canada.
- Fraser, Fil (1994) *The Participation of Aboriginal and other Cultural Minorities in Cultural Development*, *Canadian Journal of Communication*.
- Grazian, David (2003) *Blue Chicago: The Search for Authenticity in Urban Blues Clubs*, Chicago: University of Chicago Press.
- Hawkes, J. (2001) *The Fourth Pillar of Sustainability*, Australia: Cultural Development Network, www.theHumanities.com.
- Ley, David, & Germain, Annick (2000) *Immigration and the Changing Social Geography of Canadian Cities*, Vancouver: Department of Geography, University of British Columbia.
- Ledwith, Margaret (2005) *Community Development: A Critical Approach*, Bristol, UK: Policy Press.
- Matthews, John & Herbert, David, (Eds.) (2004) *Unifying Geography: Common Heritage, Shared Future?* Oxfordshire, UK: Routledge.

- Mills, Deborah & Brown, Paul (2004) *Art and Wellbeing*, Sydney, Australia: Australia Council for the Arts.
- Mitlan, Diana & Satterthwaite, David (1994) *Cities and Sustainable Development: Background Paper for Global Forum '94*, London: International Institute for Environment and Development.
- Newman, Peter & Kenworthy, Jeffrey (1999) *Sustainability and Cities: Overcoming Automobile Dependence*, Washington, DC: Island Press.
- O'Hala, Scott (2002) *Hand ON! Practices and Projects*, Community Cultural Development Board, NSW, Australia: Australia Council for the Arts.
- Pike, Matthew (2003) *Can Do Citizens*, London, UK: Social Enterprise Services & Scarman Trust.
- Putnam, R., Leonardi, R., & Nanetti, R. (1993) *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Roseland, M. (2005) *Towards Sustainable Communities: Resources for Citizens and their Governments*, Island: New Society Publishers.
- Sandercock, Leoni (2003) *Cosmopolis II: Mongrel Cities in the 21st Century*, London/New York: Continuum.
- Summit de la Culture-Montreal (2001) *Workshop and Plenary Session Synthesis*, URL:http://www.culturemontreal.ca/0110_sommet/synthesis_summit.html.
- UNO (1992) *Agenda 21*, United Nations' Conference on Environment and Development, Rio D/de Janeiro.
- UNO (2002) *Earth Summit*, Unite Nations' Johannesburg Declaration.
- UNESCO (1995) *The Cultural Dimension of Development: Towards a Practical Approach*, Culture and Development Series, Paris: UNESCO Publishing.
- UNESCO (2001) *Universal Declaration on Cultural Diversity*, Adopted by the 31st General Conference of UNESCO.
- UNESCO (2005) *Convention on the Protection and Promotion of the Diversity of Cultural Expressions*, Adopted by the 33rd General Conference of UNESCO.
- Uts'am Witness Program (Vancouver/Squamish): www.utsam-witness.ca
- Western Australian Government (2002) *Focus on the Future: The Western Australian State Sustainability Strategy*, Perth, Australia: Sustainability Policy Unit.
- World Conservation Union (1991) *U.N. Environment program and World Wide Fund for Nature*.